

The Impact of Iranian Elite Migration on the Emergence of Historiography and Political Legitimacy of the Seljuks of Rum

Nasrin Mohammadi¹

Abstract

The present study examines the role of the migration of Iranian elites and literati in the formation and development of historiography within the domain of the Seljuks of Anatolia. Despite the establishment of the Sultanate of Rum at the beginning of the seventh/fourteenth century AH/13th century CE, historiography in this region developed with some delay, and the earliest historical texts emerged under the direct influence of the Persian historiographical tradition. The central question of this research is to what extent this delay is related to the transfer of Iranian historiographical models by migrating scholars. Based on an analysis of primary sources and recent studies, the research demonstrates that Iranian literati—previously nurtured within the Persian literary and bureaucratic tradition—served in the Seljuk court of Anatolia as official writers, secretaries, and chroniclers, and through the transmission of Iranian legitimacy narratives and courtly historiographical models, they laid the foundations of the region's historiography. Ultimately, the study concludes that the historiography of the Seljuks of Anatolia forms part of the broader legacy of Iranian written culture, and that examining it without considering the transregional scholarly and cultural networks of the Seljuk era would provide an incomplete picture of the political and identity developments of the period.

Keywords: Seljuks of Anatolia; Historiography; Iranian Literati; Migration of Elites; Persian Written Culture.

¹ Phd student of History, University of Tehran. Tehran, Iran.

nasrin.mohammadi1414@gmail.com

Date received: 2026/02/14, Date of acceptance: 2026/05/30



تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری و مشروعیت سیاسی سلجوقیان روم

نسرین محمدی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش مهاجرت نخبگان و ادیبان ایرانی در شکل‌گیری و تکوین تاریخ‌نگاری در قلمرو سلجوقیان آناتولی می‌پردازد. با وجود تأسیس دولت سلجوقیان روم در آغاز سده هفتم هجری/ سیزدهم میلادی، تاریخ‌نگاری در این سرزمین با تأخیر توسعه یافت و نخستین متون تاریخ‌نگارانه آن تحت تأثیر مستقیم سنت تاریخ‌نگاری فارسی پدید آمد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که این تأخیر تا چه اندازه با انتقال الگوهای تاریخ‌نویسی ایرانی توسط دانشوران مهاجر رابطه دارد. با اتکا بر تحلیل منابع اصلی و مطالعات جدید، پژوهش نشان می‌دهد که ادیبان ایرانی - که پیش‌تر در سنت ادبی و دیوانی ایرانی پرورش یافته بودند - در دربار سلجوقیان آناتولی به‌عنوان نویسندگان رسمی، دبیران و وقایع‌نگاران فعالیت کردند و از طریق انتقال روایت‌های مشروعیت‌بخش ایرانی و قالب‌های تاریخ‌نویسی درباری، زیربنای تاریخ‌نگاری این دولت را شکل دادند. در نهایت، نتیجه گرفته می‌شود که تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی بخشی از میراث گسترده‌تر فرهنگ مکتوب ایرانی است و بررسی آن بدون توجه به شبکه‌های علمی و فرهنگی فراملی عصر سلجوقی، تصویر کاملی از تحولات سیاسی و هویتی این دوره ارائه نخواهد داد.

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

nasrin.mohammadi1414@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۹



تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۶۱

واژگان کلیدی: سلجوقیان آناتولی، تاریخ‌نگاری، ادیبان ایرانی، مهاجرت نخبگان، فرهنگ مکتوب فارسی.

۱. مقدمه

ورود ترکان سلجوقی به آناتولی در پایان قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی، آغازگر دگرگونی‌های سیاسی مهمی در این سرزمین بود؛ اما شکل‌گیری و پیشرفت نهادهای علمی و ادبی تا اوایل قرن هفتم هجری به تأخیر افتاد. تنها پس از تثبیت قدرت و ایجاد امنیت در دوران برخی از سلاطین قدرتمند این دودمان — به‌ویژه رکن‌الدین سلیمان شاه (۵۹۲ — ۶۰۰ ق. / ۱۱۹۶ — ۱۲۰۴ م.)، عزالدین کیکاووس اول (۶۰۷ — ۶۱۶ ق. / ۱۲۱۱ — ۱۲۲۰ م.) و علاءالدین کیقباد اول (۶۱۶ — ۶۳۴ ق. / ۱۲۱۹ — ۱۲۳۷ م.) — بستر لازم برای بالندگی فرهنگ مکتوب فراهم شد. این وضعیت موجب مهاجرت گروه‌های مختلف نخبگان ایرانی، از جمله ادیبان، منشیان، قاضیان و وزیران به قلمرو سلاجقه روم گردید. آنان با ورود به دیوان‌ها و احراز مناصب اداری و فرهنگی، دربار و ساختار حکومتی سلجوقیان روم را به‌شدت تحت‌تأثیر سنت‌های ایرانی — فارسی قرار دادند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تأثیر، شکل‌گیری تاریخ‌نگاری در آناتولی بر پایه الگوی ایرانی بود؛ الگویی که در همان زمان در ایران مراحل تکامل خود را طی کرده بود و تاریخ‌نگاری را به‌عنوان دانشی در خدمت سیاست و مشروعیت‌بخشی به قدرت سامان می‌داد. به همین سبب نخستین آثار تاریخ‌نگارانه مربوط به سلاجقه روم به زبان فارسی نوشته شدند؛ آثاری که از درون دیوان و در میان طبقه دیبران و ارباب سیاست پدید آمدند و به تبیین نقش و جایگاه سلاطین در چارچوب روایت رسمی مشروعیت می‌پرداختند. مهم‌ترین این منابع فارسی، «الاورامور العلایه فی الامور العلایه» اثر ابن بی‌بی، «مسامره الاخبار و مسایره الاخیار» نوشته آقسرائی و رساله تاریخ سلاجقه روم (اثر مورخی ناشناس) است که هر سه به‌عنوان بنیان‌های تاریخ‌نگاری آناتولی در عصر سلجوقی شناخته می‌شوند. با وجود اهمیت این منابع، در پژوهش‌های موجود کمتر به رابطه میان «مهاجرت نخبگان ایرانی» و «پیدایش و شکل‌گیری تاریخ‌نگاری در آناتولی» پرداخته شده است. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش چنین است: «چه نسبتی میان انتقال سرمایه فرهنگی و ادبی ایرانی به آناتولی و ظهور تاریخ‌نگاری در عصر سلجوقیان روم وجود دارد؟» فرض بر این است که بدون حضور این نخبگان ایرانی، شکل‌گیری تاریخ‌نگاری در آناتولی با تأخیر بیشتری مواجه می‌شد و در قالب و جهت‌گیری دیگری انجام می‌گرفت. این پژوهش با رویکرد تحلیلی — تطبیقی و بر پایه

مطالعه دقیق سه منبع یادشده، به بررسی نقش ادیبان و مهاجران ایرانی در ایجاد و جهت دادن به تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه اقتباس و بازآفرینی الگوهای ایرانی، مشروعیت‌سازی سیاسی و هویت‌سازی دولت سلجوقیان روم را شکل داده است. ساختار مقاله بدین‌گونه است که پس از مرور زمینه تاریخی و فرهنگی آناتولی عصر سلجوقی، هر یک از سه اثر مذکور با تأکید بر بافت سیاسی - فکری تولیدشان تحلیل و در پایان نتایج کلی پژوهش ارائه خواهد شد.

۱.۱. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی و نقش ادیبان ایرانی در شکل‌گیری آن، سابقه‌ای محدود اما رو به گسترش دارد. بیشتر مطالعات موجود یا بر «ساختار سیاسی و اداری سلجوقیان روم» متمرکز بوده‌اند، یا به‌طور کلی‌تر به «انتقال سنت‌های ایرانی به آسیای صغیر» پرداخته‌اند. در میان آثار کلاسیک، پژوهش‌های کلود کاهن^۱ همچنان نقطه آغاز هر بحثی درباره تاریخ سلجوقیان آناتولی به‌شمار می‌رود؛ هرچند او به نقش فرهنگ و ادبیات ایرانی تنها به‌صورت پراکنده اشاره می‌کند. همچنین کارهای عثمان توران^۲ با وجود تأثیرگذاری بر تاریخ‌نگاری ترکی، از منظر روش‌شناسی و توجه به جریان‌های فراملی محدودیت‌هایی دارد. در دهه‌های اخیر، چند پژوهش جدید رویکردی دقیق‌تر به موضوع اتخاذ کرده‌اند. از جمله، اندرو پیکاک^۳ در آثار خود درباره جهان سلجوقی و تبادل فرهنگی ایران و آناتولی، اهمیت نقش مهاجرت نخبگان ایرانی را برجسته کرده است. همچنین سارا نور ییلدیز^۴ با بررسی متون تاریخی و ادبی سلجوقیان روم، نشان داده که بسیاری از نخستین وقایع‌نامه‌ها و روایت‌های درباری تحت تأثیر مستقیم دبیران و مؤلفان ایرانی بوده‌اند. در کنار این‌ها، مقالاتی از پژوهشگرانی چون ایلکر اورییم بینباش^۵، مهمت آل‌مرز^۶، رستم شکوروف^۷ و دیگران به مسئله زبان، فرهنگ ادبی و شبکه‌های علمی میان ایران و آناتولی پرداخته و زمینه نظری لازم برای بررسی این موضوع را فراهم کرده‌اند. با وجود این تلاش‌ها، هنوز مطالعه‌ای جامع که نقش مهاجران و ادیبان ایرانی را به‌طور مستقیم با شکل‌گیری تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی پیوند دهد، وجود ندارد. همین‌حال پژوهشی، ضرورت انجام تحقیق حاضر را توجیه می‌کند.

۲. روند اسلامی‌سازی آناتولی و تحکیم سلطنت سلجوقیان روم

اسلامی‌شدن آناتولی در قرن سیزدهم نتیجه مجموعه‌ای از تحولات سیاسی، اجتماعی و نظامی بود که شامل حملات مغول، فروپاشی قدرت بیزانس و هجوم گروه‌های ترکمن به منطقه می‌شد. این تحولات باعث تضعیف کلیسای ارتدکس و همزمان رشد نهادهای اسلامی، از جمله صوفیان، مدارس و وقف‌ها شد. (Stephen Humphreys, 1991: 279; Vryonis, 1971: 124 دوازدهم (حدود ۵۵۰ ق.م/۱۱۵۵ م.) و اولین مدرسه در کایسری در سال ۵۸۹ ق. ۱۱۹۳ م. ساخته شدند، عمدتاً در مناطق تحت کنترل سلسله‌های ترکمن مانند سلجوقیان روم، دانشمندان و منگوجقیان. این نهادهای مذهبی، به‌ویژه آن‌هایی که توسط مهاجران و دانشمندان ایرانی تأسیس شده بودند، زمینه را برای اسلامی‌شدن تدریجی شهرها، به‌ویژه قونیه، فراهم کردند. (Saldjūkids, EI2) ورود مهاجران ایرانی، شامل دانشمندان، بوروکرات‌ها و صنعتگران، در جریان تهاجمات مغول (۱۲۲۰-۱۲۵۰ م.) باعث تقویت حضور نهادهای اسلامی و انتقال دانش و مهارت‌های اداری و فرهنگی به آناتولی شد. (Hillenbrand, 2005: 162-169) با این حال، ملویل تأکید می‌کند که روم در اواخر قرن سیزدهم هنوز جامعه‌ای کاملاً مسلمان نبود و کثرت‌گرایی مذهبی در شهرها ادامه داشت. (Melville, 2009: 161) روند اسلامی‌سازی، که تدریجی و در طول قرن‌ها اتفاق افتاد، با مصادره اموال کلیسا و توسعه موقوفات و تشکلهای صوفی در قرن پانزدهم ادامه یافت. (Vryonis, 1971: 239; ibid, 355) در این فرآیند، «سلجوقیان روم به‌عنوان شاخه‌ای از سلجوقیان بزرگ» نقش مرکزی داشتند. آن‌ها از غرب ایران و عراق به آناتولی مهاجرت کرده و ابتدا شورش علیه سلجوقیان بزرگ بودند، اما به تدریج سلطنت خود را در آناتولی تثبیت کردند. این شاخه توانست با بهره‌گیری از تجربه حکومتی سلجوقیان بزرگ و جذب بوروکراسی ایرانی، ساختار سیاسی و ایدئولوژیک مستحکمی ایجاد کند. (Hillenbrand, 2011: 73-78) پس از مرگ سلطان طغرل (۴۵۵ ق.)، برادرزاده او آلبارسلان به سلطنت رسید و پس از سرکوب قیام قتلش، پسر وی، سلیمان شاه، به حکومت مناطق دیاربکر و اطراف منصوب شد تا علاوه بر غزا و جهاد، پایه‌های سلطنت سلجوقیان روم را تحکیم کند. (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۲۲؛ آقسرائی، ۱۹۴۳: ۱۶؛ ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۷۸) این روند ادامه یافت تا حکومت سلجوقیان روم تقریباً از ۶۴۱-۴۷۳ ق.م/۱۰۸۱-۱۲۴۳ م. تثبیت شد. تحکیم سلطنت سلجوقیان روم، نه تنها محصول قدرت نظامی، بلکه نتیجه بهره‌گیری از

ایدئولوژی، ساختارهای ایرانی - اسلامی و نقش مهاجران و ادیبان ایرانی بود. این گروه‌ها علاوه بر تقویت نهادهای مذهبی، با نگارش متون تاریخی و ادبی، پایه‌های تاریخ‌نگاری سلجوقیان روم را بنا نهادند و ایدئولوژی حکومتی را با الگوهای ایرانی - اسلامی همسو کردند. سونگل مجیت توسعه سلطنت را به چهار مرحله تقسیم می‌کند:

۱. مرحله اول (۴۷۳-۱۰۸۱/۵۰۰-۱۱۰۷): مهاجرت اولیه و حفظ ساختار عشایری بدون ادعای سلطنت مستقل، با هدف کسب مشروعیت از سلجوقیان بزرگ ایران و عراق.
۲. مرحله دوم (۵۰۰-۱۱۰۷/۵۵۱-۱۱۵۶): دوره گذار تحت سلطه دانشمندیان؛ رکن‌الدین مسعود نخستین فرمانروایی بود که ویژگی‌های حکومتی ایرانی - اسلامی را اعمال کرد و لقب سلطان را بر سکه‌ها نقش زد. (Mecit, 2014: 38)
۳. مرحله سوم (۵۵۱-۶۰۰ / ۱۱۵۶-۱۲۰۴): تبدیل شدن به سلطان‌نشین تمام‌عیار با عزالدین قلیچ ارسلان دوم و توسعه ایدئولوژی در تضاد با صلاح‌الدین و نورالدین زنگی.

۴. مرحله چهارم (۶۰۸-۶۴۱/۱۲۱۱-۱۲۳۷): اوج سلطنت با عزالدین کیکاووس اول و علاءالدین کی‌قباد؛ حفظ عناصر عشایری ترک و تقلید از شاهان ایرانی در حکومت. (ibid, 39)

در نهایت، روند اسلامی‌سازی آناتولی و تحکیم سلطنت سلجوقیان روم کاملاً به هم گره خورد. حضور نهادهای اسلامی، مهاجران و ادیبان ایرانی و ساختارهای حکومتی مبتنی بر الگوهای ایرانی - اسلامی، باعث شد که سلجوقیان روم نه تنها قدرت نظامی خود را تثبیت کنند، بلکه مشروعیت سیاسی و فرهنگی خود را در سراسر آناتولی تحکیم نمایند و پایه‌های تاریخ‌نگاری و ایدئولوژی حکومتی آینده را بنیان‌گذاری کنند.

۳. شکل‌گیری تاریخ‌نگاری در آناتولی

شکل‌گیری تاریخ‌نگاری در آناتولی مصادف با دوره‌ای است که در ایران، سلجوقیان عراق و خراسان رو به ضعف و انحطاط می‌رفتند و پیامدهای این فروپاشی، اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران را دچار آشفتگی عمیق کرد. این شرایط موجب موج گسترده مهاجرت علما، دبیران، شاعران و نخبگان ایرانی به مناطق امن‌تر - به‌ویژه آناتولی - شد و همین جریان مهاجرت، بنیان‌های شکل‌گیری نخستین آثار تاریخ‌نگاری مسلمانان روم را پدید آورد. توصیفات منابع معاصر به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا آناتولی به مهم‌ترین

تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۶۵

مقصد مهاجران ایرانی تبدیل شد. راوندی در واپسین سال‌های قرن ششم هجری از آشفته‌گی عراق و در مقابل، امنیت و دولت‌داری سامان‌یافته سلجوقیان روم سخن می‌گوید. (راوندی، ۱۳۸۶: ۵۵) جرفادقانی نیز از محنت‌های اجتماعی، فشارهای مالی، ناامنی و مهاجرت گسترده مردم مناطق مرکزی ایران به دیگر نواحی سخن می‌گوید. (جرفادقانی، ۱۳۴۵: ۴۳۲) نجم رازی در آغاز قرن هفتم هجری گزارش می‌کند که اهل نظر و اهل تجارت، تنها دیاری را که «آراسته به مذهب اهل سنت و جماعت، عدالت، ارزانی و امن» می‌دانستند، بلاد روم بود. (نجم رازی، ۱۳۸۳: ۲۰) این سه شاهد تاریخی نشان می‌دهد که مهاجرت عالمان و دبیران ایرانی به آناتولی، نه یک حادثه پراکنده، بلکه یک جریان تاریخی گسترده و تأثیرگذار بود؛ جریانی که زمینه اجتماعی و فکری شکل‌گیری تاریخ‌نگاری سلجوقیان روم را فراهم کرد.

کمبود تاریخ‌های محلی در آناتولی اولیه اسلامی باعث شد نخستین مورخان آناتولی، برخلاف سنت‌های ایرانی تاریخ بخارا، قم، بیهق، سیستان یا طبرستان، به‌جای تولید تاریخ‌های شهری یا منطقه‌ای، به نگارش تاریخ‌های سلسله‌ای روی آورند. در فاصله قرن یازدهم تا پانزدهم میلادی، آناتولی تقریباً فاقد تاریخ‌نگاری محلی به سبک ایرانی بود و بیشتر آثار موجود، یا تاریخ‌های عمومی بودند یا تواریخ سیاسی - نظامی که آناتولی را در چارچوبی وسیع‌تر از دارالاسلام بررسی می‌کردند. (Hillenbrand, 2011: 87) برخلاف ایران عصر سلجوقیان بزرگ، در آناتولی شرایط برای تولید نوشتار تاریخی چندان مساعد نبود؛ زیرا ساختارهای فرهنگی و آموزشی ایرانی به تدریج و با سرعتی اندک جایگزین سنت یونانی و بیزانسی می‌شد، و نخستین مهاجران مسلمان، نه دبیران و ادیبان شهرنشین، بلکه ترکمانان کوچ‌نشین بودند. همین امر باعث شد تاریخ‌نگاری در آناتولی دیرتر شکل بگیرد و مسیر متفاوتی را طی کند. (Melville, 2009: 140)

نخستین تاریخ‌های مسلمانان روم در اواخر قرن هفتم/ سیزدهم، یعنی هنگامی که آناتولی به یکی از ایالات مهم امپراتوری مغول تبدیل گشت، پدیدار شد. مهم‌ترین آثار تاریخ‌نگاری این دوره عبارت‌اند از:

۱. الاوامر العلانیة اثر ابن بی‌بی (پس از ۱۲۸۵ م).
۲. مسامرة الاخبار اثر کریم‌الدین آقسرائی (نیمه اول قرن چهاردهم)
۳. تاریخ آل سلجوق اثر نویسنده ناشناس (۱۳۶۳ م).

این آثار هر سه در دوره افول دولت سلجوقیان روم نوشته شده‌اند و در نبود منابع غنی محلی، برای بازسازی تاریخ سیاسی و نظامی آناتولی پس از حمله مغول استفاده می‌شوند. (Hanaoka, 2016: 231) مورخان آناتولی، به سبب نداشتن سنت‌های پیشین تاریخ‌نگاری محلی، ناگزیر الگوهای خود را از تاریخ‌های ایرانی اقتباس می‌کردند. با این حال، تفاوت مهمی میان این دو وجود دارد: در حالی که تاریخ‌های محلی ایرانی (بخارا، قم، بیهق و دیگر شهرها) بر هویت شهری، خاندان‌های قدیم، آداب محلی و ریشه‌های کهن تکیه دارند، تاریخ‌نگاری آناتولی بر سلسله سلجوقی به عنوان اصلی‌ترین محور هویت و مشروعیت تمرکز می‌کند. (Hanaoka, 2016: 232) پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که در قرن هفتم/ سیزدهم، تبار سلجوقی مهم‌ترین عنصر مشروعیت سیاسی در آناتولی شد. (Peacock, 2013: 82) سلسله‌های رقیب همچون دانشمندیان و سلجوقیان، برای مشروعیت‌یابی، خود را به بازماندگان سلجوقیان پیوند می‌زدند و حتی بیبرس مملوکی نیز از نشان‌های قدرت سلجوقی استفاده می‌کرد تا اقتدار خود را در آناتولی تثبیت کند. (Peacock, 2013: 84) کورویینیکوف نیز با بررسی عنوان‌های سیاسی سلجوقیان نشان داده است که سلجوقیان روم برای مشروعیت‌بخشی، خود را دنباله سلجوقیان بزرگ می‌دانستند، نه وارثان بیزانس. (Korobeinikov, 2013: 68-70) کوپرولو، از نخستین پژوهشگرانی که بر کمبود منابع آناتولی تأکید کرد، فهرست اسناد اداری و دیوانی موجود (وقف‌نامه‌ها، سبج‌ها، فرمان‌ها و مکاتبات) را ارائه کرده، اما تصریح می‌کند که آناتولی هیچ‌گاه تاریخ محلی به سبک ایرانی تولید نکرد. (Köprülü, 1992: 28) پژوهش‌های بعدی همچون آثار اوزگودنلی، ملویل و استوری نیز نشان داده‌اند که تواریخ موجود - از جمله سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری، راحه‌الصدور راوندی، مسامره/الخبار آقسرائی و تاریخ آل سلجوق همگی تاریخ‌های سلسله‌ای هستند و بیش از هر چیز، مشروعیت سیاسی را بر اساس تبار سلجوقی بازنمایی می‌کنند؛ در حالی که تاریخ‌نگاری ایرانی تنوع بیشتری در ارائه هویت‌های محلی و دینی نشان می‌دهد. (Storey, 1927: 420؛ Meisami, 2000: 370) بنابراین، بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که مهاجرت گسترده ادیبان و دبیران ایرانی به آناتولی، نه تنها به انتقال فرهنگ دیوانی و ادبی ایرانی انجامید، بلکه الگوی تاریخ‌نگاری ایرانی را نیز با خود به آناتولی آورد. تاریخ‌نگاری سلجوقیان روم - با وجود تفاوت‌های محلی و شرایط خاص آناتولی - بر بستر زبان فارسی، فرهنگ سیاسی

تاثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۶۷

ایرانی و شبکه‌های مهاجرت نخبگان شکل گرفت؛ اما در نبود سنت‌های ریشه‌دار شهری به سبک ایرانی، به صورت تاریخ‌های سلسله‌ای سلجوقی ظهور یافت و ساختار مشروعیت آن را سامان داد. تاریخ‌نگاری فارسی سلجوقیان آناتولی عبارتند از:

۱. سلجوقنامه

ملک الشعرا امیر بهاءالدین احمد بن محمود قانع طوسی از شاعران پارسی‌گوی ایرانی در آسیای صغیر و از مقدمان آن گروه در دیار مذکور است. ولادتش در اواخر قرن ششم هجری در طوس اتفاق افتاد. وی تا حمله مغول به خراسان در آن دیار به کسب فضائل و سخنوری اشتغال داشت و از جمله کسانی است که توانست در گیر و دار هجوم مغولان از ورطه بلا، جان به سلامت برد. اسم و عنوانش در کتاب مناقب العارفین افلاکی و در آغاز و انجام نسخه‌ای از کلیله و دمنه منظوم او به تاریخ ذی‌قعدة سال ۸۶۳ هجری است. (افلاکی عارفی، ۱۳۹۶: ۲۲۱) از اینجا معلوم می‌شود که او بعد از ورود به خدمت سلاطین سلجوقی آسیای صغیر، سمت «ملک الشعرا» و عنوان «امیر» یافت. اعطای لقب امیر به شعرا و ادبا در دستگاه سلجوقیان نظایر دیگری دارد که از آن جمله می‌توان به ملک‌الادبا امیر بدرالدین یحیی از معاصران قانع اشاره کرد. قانع در یک مورد از اشعار خویش، نسبت طوسی را به صورت لقب شعری خود به کار برد، ولی مسلماً تخلص یا لقب شاعری او همان قانع بود که بدان مشهور است. وی چنان که خود گفته است، در ایام فتنه مغول که خراسان دچار قتل و غارت و ویرانی گردید و خوارزمشاه از خوارزم به عراق و از آنجا به دریای مازندران گریخت، در خراسان به سر می‌برد و به سخن‌گویی اشتغال و در این باب اشتهار داشت، چنان که همه امرا و بزرگان خریدار او و سخنش بودند؛ ولی هنگامی که فرار خوارزمشاه و پراکندگی سپاه وی را دید در خراسان نماند و به هندوستان گریخت. او در هندوستان نیز نماند و از آنجا رهسپار عدن و صنعا شد و سپس به مدینه رفت. (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹: ۵۳۶) از این پس درباره قانع اطلاعی در دست نداریم و حتی مشخص نیست که سلجوقنامه در چه تاریخی و کجا تألیف شده است (محمدی، ۱۴۰۳: ۳۵)، از همین رو برخی محققان، این اثر را جزو آثار گمشده می‌پندارند، ولی به نظر می‌رسد که قسمتی از آن، در کتاب *الاولی الامر العلانیة* تألیف ناصرالدین حسین بن محمد علی معروف به «ابن بی‌بی» که از آوان انتشار به *سلجوقنامه* معروف شده، نقل شده باشد. (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۴۹۶)

۲. تاریخ آل سلجوق (مؤلف گمنام)

متن «تاریخ آل سلجوق» یکی از مهم‌ترین منابع برای مطالعه ساختار سیاسی و ایدئولوژیک سلجوقیان روم است؛ اثری که ناشناخته‌بودن مؤلف آن، ردیابی دقیق محیط فکری و مقاصد نویسنده را دشوارتر می‌سازد، اما به‌وضوح می‌دانیم که این کتاب برای یکی از آخرین شاهزادگان سلجوقی تألیف شده است. این اثر یک تاریخ سلسله‌ای کوتاه است که تمرکز اصلی آن بر سلاطین سلجوقی آناتولی بوده و با ساختاری تحلیلی تنظیم شده است. نویسنده سلطنت سلاطین سلجوقی روم را همراه با اطلاعاتی درباره خلفا ثبت کرده و اهمیت قونیه را به‌عنوان مرکز سیاسی سلسله برجسته می‌سازد. (Melville, 2009:150) این کتاب در اواسط قرن چهاردهم، پس از محرم ۷۶۵/ اکتبر ۱۳۶۳، تکمیل شده است. با توجه به اینکه مؤلف ناشناس اثری بدون ارجاع به منابع قبلی یا معاصر نوشته و بیشتر بر حافظه خود تکیه کرده است، احتمال دارد تألیف آن را بسیار پیش‌تر از ۷۶۵/ ۱۳۶۳ م. آغاز کرده باشد. (تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷: ۳۱-۳۲) یا شاید این متن در اصل کاری ترکیبی بوده که زودتر آغاز شده و سپس توسط فرد دیگری در حدود همین سال نهایی شده است. (Melville, 2009:333) این تاریخ برای «سلطان علاءالدین بن سلجوق سلیمان شاه»، نوادهٔ سلطان غیاث‌الدین کی‌خسرو بن سلطان کیقباد نوشته شده و حامی نویسنده، نوادهٔ غیاث‌الدین کی‌خسرو دوم (ح. ۱۲۳۷-۱۲۴۶ م.) بوده است. (Melville, 2009:151؛ تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷:۳۲) ساختار کلی کتاب بر ثبت شکوه و مشروعیت سیاسی سلجوقیان و ارائهٔ روایات به ترتیب زمانی استوار است. پس از دیباچه، نخستین بخش با عنوان «آغاز سلسله سلجوقیان و شرح اصل و نسب و اولاد ایشان رحمه‌الله» آغاز می‌شود، و سپس روایت ظهور سلجوقیان و دوره‌های سلطنت آل‌پارسلان، ملکشاه، خوارزمشاهان و خلافت عباسی ادامه یافته و داستان به وقایع دوران سلجوقیان روم در زمان علاءالدین کیقباد (۱۲۲۰-۱۲۳۷) می‌رسد. (تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷: ۴۱، ۴۹، ۵۱، ۷۳) افزون بر جنبهٔ تاریخی، این اثر نقش مهمی در شکل‌دهی به «مشروعیت سیاسی سلجوقیان روم» دارد. ملویل تأکید می‌کند که این متن با روایت منظم پیروزی‌های نظامی، گسترش فتوحات و برجسته‌کردن نقش سلجوقیان در حمایت از اسلام، نوعی چارچوب ایدئولوژیک برای مشروعیت‌بخشی به سلطنت ارائه می‌کند. (Melville, 2009:152) در حالی که تاریخ‌های محلی ایرانی - مانند طبرستان - علاوه بر کامیابی‌های نظامی، بر عناصر دیگری چون تبارنامه، خواب‌گزاره‌ها، فضائل صحابه، نقش سادات و ویژگی‌های طبیعی

تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۶۹

و معنوی منطقه نیز تأکید دارند، «تاریخ آل سلجوق» با سبک خاص خود سلطنت روم را بیش از همه از زاویه فتوحات و قدرت نظامی تصویر می‌کند. نویسنده ناشناس در بخش مربوط به سلجوقیان روم، با روایت صعود ملک‌شاه آغاز می‌کند و سپس از دلاوری آل‌پارسلان در سرکوب مخالفان یاد کرده و شرح لشکرکشی سلیمان‌شاه به روم را ادامه می‌دهد. (همان، ۷۸) روایت اثر، به صورت پیوسته سلطنت سلاطین مختلف سلجوقی روم را بازگو کرده و در این میان سلیمان بن قتلمش (متوفی ۴۷۹ق. ۱۰۸۷م.) را - که در فتح آناتولی نقشی بنیادی داشت - به عنوان بنیان‌گذار واقعی سلطنت روم معرفی می‌کند. مؤلف با ذکر نبردهای پیاپی، بر روند تدریجی تثبیت قدرت سلجوقیان در آناتولی تأکید می‌کند. سپس به سلطنت قلیچ‌ارسلان‌ها، کی‌خسروها، کی‌قبادها و کی‌کاووس‌ها پرداخته و رویدادهای سیاسی و نظامی هر دوره را به تفصیل می‌آورد. (تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷: ۸۳-۹۹) اگرچه میان این اثر و منابعی چون *الاورامر العلائیه* و *مسامره آقسرائی* تفاوت‌های محتوایی و ساختاری مهمی دیده می‌شود، اما سه اثر در درک «مبنای اخلاقی اقتدار سلطنت و شیوه اعمال قدرت» با یکدیگر همسو هستند. (Melville, 2009:161) در پایان، هدف مؤلف نیز در متن آشکار است: او این کتاب را با نیت آموزش شاهزادگان سلجوقی نوشته و خود می‌نویسد:

«این کتاب مشتمل است بر تاریخ پادشاهان و سلجوقیان ماضی روم... برسم مطالعه شاه و شاهزاده جهان، خسرو کامران، جوان‌بخت زمین و زمان، سلاله السلجوقین، بقیه السلاطین السلجوق». (تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۵: ۳۹) به این ترتیب، این اثر نه تنها گزارشی تاریخی، بلکه تلاشی آگاهانه برای زنده کردن شکوه گذشته و انتقال آن به نسل‌های پایانی خاندان سلجوقی روم بوده است.

۳. *الاورامر العلائیه فی الامور العلائیه*

با توجه به مطالبی که در قسمت‌های قبل در رابطه با رونق یافتن تاریخ‌نگاری ایرانی و منزوی شدن تاریخ‌نگاری اسلامی در قلمرو سلجوقیان روم بیان شد، می‌توانیم مشخص کنیم که از موضوعات محوری تاریخ‌نگاری ایرانی، نهاد سلطنت است و چون زمانی که مورخان این دوره اقدام به تاریخ‌نگاری کردند جایگاه این نهاد متزلزل شده بود، از این رو می‌توان پی برد که دغدغه اصلی مورخان، ریشه‌یابی مسائلی بوده که موجب تزلزل و انحطاط این نهاد شده است. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که تاریخ‌نگاری سلطنت در قلمرو سلجوقیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. کتاب

الاورامر العلانیة فی الامور العلانیة نوشته حسین بن محمد بن علی الجعفری الرغدی معروف به ابن بی بی است. او که اصلیتی ایرانی داشته است، رئیس دیوان طغرا در دربار سلجوقیان روم بود. پدر و مادر او از مهاجرانی بودند که در زمان حمله مغول به طرف شامات و آناتولی مهاجرت کردند و در نهایت به دربار سلطان علاءالدین کیقباد راه یافتند. (ابن بی بی، ۱۳۵۰: ۱۹۶-۱۹۷) والدین ابن بی بی، اندکی پس از مرگ جلال الدین خوارزمشاه در سال ۱۲۳۰ میلادی (۶۲۷-۶۲۸ هجری قمری) و متعاقب شکست وی از مغولان، از خوارزم گریختند. خود ابن بی بی (که در حدود سال ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۸ میلادی، یعنی حدود ۶۸۴ یا ۶۸۷ هجری قمری، درگذشت) به تبعیت از پدرش، که منشی یا کاتب دربار خوارزمشاهیان بود، راه او را پی گرفت. او این کتاب را به درخواست عطاملک جوینی، که در آن زمان والی بغداد بود، به نگارش درآورد. (Melville, 2009: 135-136) جوینی ها از ادبیات تاریخی به عنوان تبلیغات فکری برای تقویت مشروعیت ایلخانان با نشان دادن آنها به عنوان حافظان عدالت، تقوای مسلمانان و سنت های سلطنت ایران استفاده کردند. آثار ابن بی بی که بر تاریخ آناتولی و به ویژه قونیه متمرکز است، چنان اهمیت یافت که در زمان حیات خود او (حدود ۶۸۴ تا ۶۸۷ هجری قمری)، نویسنده ای ناشناس خلاصه ای از کتاب *اورامر العلانیة فی الامور العلانیة* را تدوین کرد. این خلاصه نشان دهنده ارزش والای اثر ابن بی بی نزد معاصرانش است. ابن بی بی طی چرخه ای از موفقیت و زوال به سلجوقیان روم خدمت کرد، از اوج سلجوقیان در زمان کیقباد اول (۱۲۲۰-۱۲۳۷ م.) تا افول آنها در دوران به قدرت رسیدن مغول تا دهه ۱۲۷۰. (Anooshahr, 2009: 110-111) ابن بی بی موظف شد که تصویر شاخه ای از سلجوقیان را، که اصالتاً سرکش بودند، بازسازی کند و تاریخ آنها را به گونه ای ارائه کند که به الگوی حکومتی ایرانی - اسلامی پایبند باشد. ابن بی بی با معرفی سلاطینی مانند قلیچ ارسلان به عنوان حاکمانی که سلجوقیان بزرگ بر قلمروهای استانی حکومت مستقلی داشتند، به سلجوقیان روم مشروعیت بخشید. این در حالی رخ داد که این نویسندگان پس از افول سلطنت سلجوقی بزرگ نوشتند و نشان دادند که علی رغم زوال آنها، سلجوقیان بزرگ همچنان به عنوان سلطان واقعی و مشروع سلجوقی تلقی می شدند. (Mecit, 2014: 23-29) ابن بی بی کتاب خود را به عطاملک جوینی، نویسنده کتاب *تاریخ جهانگشا* تقدیم می کند و در آغاز و انتهای کتاب او را مورد ستایش قرار می دهد. (ابن بی بی، ۱۹۵۷: ۶-۷) نامگذاری کتاب نیز به این دلیل است که کتاب را به

تاثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۷۱

اشاره عظاملک جوینی و به نام علاءالدین کیقباد اول نوشته و به قول نویسنده کتاب *تاریخ ادبیات ایران* می‌خواسته است که ذیلی بر *تاریخ جهانگشای جوینی* در باب تاریخ سلجوقه روم قرار دهد. (صفا، ۱۳۵۲ ج ۳: ۱۲۱۶) واژه «علائیه» اول در عنوان کتاب اشاره به علاءالدین عظاملک جوینی و دیگری اشاره به علاءالدین کیقباد اول دارد. (دیانت، ۱۳۶۹: ۱۴۴) اما به گفته نویسنده کتاب *تاریخ ادبیات ایران*، عمده اطلاعات ابن بی‌بی در رابطه با حوادث زمان کیخسرو اول، کیکاووس اول و کیقباد اول از *سلجوقنامه* منظوم قانع طوسی است: «*سلجوقنامه* قانعی را همه محققان جزو آثار گمشده می‌پندارند ولی تصور می‌رود که قسمتی از آن در کتاب (الاوامر العلائیه) ابن بی‌بی که از او ان به *سلجوقنامه* معروف بود، نقل شده است، بی آنکه حتی یک‌بار از بیچاره قانع نام برده شود و حتی بنظر من الاوامر العلائیه ابن بی‌بی در آنچه مربوط بسلطنت غیاث‌الدین کیخسرو اول و علاءالدین کیقباد است تلخیصی از *سلجوقنامه* قانع باشد». (صفا، ۱۳۷۳: ج ۳، ۴۹۵)

با توجه به این موضوعات می‌توان به مهم‌ترین اهداف و انگیزه‌های تاریخ‌نگاری ابن بی‌بی که همان بازگشت به حکومت علاءالدین کیقباد اول بود، پی برد. زمانی این استدلال موثق‌تر می‌شود که به گفته‌های خود ابن بی‌بی توجه کرد. او در رابطه با مرگ این سلطان می‌نویسد: «و بدان مفارقت دل برق کباب و دیده سحاب پر آب گشت و امور ملک و ملت از آن روز در تراجع و تباهی افتاد و نظام عقد پادشاهی واهی شد و از عجایب اتفاقات آن بود که ملک کامل و ملک اشرف که پیوسته سهوداء حصول ملک روم در سر ایشان کامن بود درین ایام فرمان یافتند و احوال ممالک روم در هرج و مرج افتاد و در نزهت آباد این ممالک که موئل غربا و ملجاء ضعفا بود شربتی خوشگوار بهیچ حلقی فرو نرفت که صد هزار جوی خون از حال و دل بر نیامد.» (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۲۰۷) چنین اشعاری که در رثای این سلطان سروده است، وضعیت قبل و بعد از این سلطان را مشخص می‌کند. (ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۴۶۳) مسئله‌ای که در اینجا باید به آن پرداخته شود، این است که چرا مورخان این دوره که در آناتولی اقدام به تاریخ‌نگاری کرده‌اند، تاریخ سلاطین سلجوقی و علی‌الخصوص سلجوقیان روم را ثبت کرده‌اند، در حالی که در این دوره زمانی آناتولی قسمتی از قلمرو ایلخانان محسوب می‌شد و همچنین ایلخانان برای تاریخ و تاریخ‌نگاران اهمیت به‌سزائی قائل بودند و مورخان این دوره می‌توانستند با استفاده از این امتیازات و تاریخ‌نگاری در رابطه با مغولان و ایلخانان به جایگاه رفیعی در دربار ایلخانان دست پیدا کنند. برای جواب دادن

به این مسئله در رابطه با تاریخ‌نگاری ابن بی‌بی می‌توان به این نکته اشاره کرد که او هرچند یک منشی - مورخ بود و موضوعات اساسی کتاب او نیز در رابطه با سلطنت نوشته شده است، اما باید توجه داشت که او یک مورخ مذهبی بوده و مطابق با ارزش‌های مذهبی اهل تسنن (حنفی) اقدام به تاریخ‌نگاری کرده است. با نگاهی به منابع این دوره متوجه خواهیم شد که حکومت سلجوقیان در رابطه با حمایت از جامعه اهل سنت چه جایگاه ویژه و ممتازی داشته است (راوندی، ۱۳۸۶: ۶۱؛ نیشابوری، ۱۳۳۲: ۴۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۲: ج ۵، ۲۲۸) و چون مغولان به آزادی ادیان اعتقاد داشتند، مذهب تسنن جایگاه سابق خود را از دست داده بود و «اساس قصر دولت آل‌عباس بانقض پیوست و ایام سلطنت احکام ایشان بانقض رسید و دماغ ناموس خلافت مختل و مزاج رون امامت معطل شد و مناهل فواضل ایشان از ورود وفود افاضل مهمل و معطل ماند.» (ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۸) با توجه به این موضوعات می‌توان پی برد که از دیگر دغدغه‌های ابن بی‌بی علاوه بر بازگشت شکوه سابق سلجوقیان روم، قدرت یافتن دوباره مذهب اهل سنت در جامعه و امور حکومتی بود که ابن بی‌بی محقق شدن این امر را نیز در قدرت گرفتن دوباره سلاطین سلجوقیان روم می‌بیند و به همین علت به ثبت تاریخ سلجوقیان روم می‌پردازد که یادآور روزهای خوب سلاطین سلجوقیان روم برای شاهزادگان سلجوقی باشد و اگر هم فرماندهان و ایلخانان مغول به مطالعه آن پرداختند، مذهب سنت را به جایگاه سابق خود برگردانند. (همان، ۲۳۱) متن ابن بی‌بی نه تنها نزدیک‌ترین اثر تاریخی به وقایع و افراد آن دوره است، بلکه منسجم‌ترین و قابل‌فهم‌ترین منبع اطلاعاتی است. با این حال، متن ابن بی‌بی به تنهایی دیدگاه جامعی از آناتولی تحت حکومت مغول ارائه نمی‌دهد. بسیاری از سکوت‌ها و شکاف‌های تاریخ را می‌توان تا حدی با استفاده از منابع متنوع برطرف کرد، که مهم‌ترین آنها تاریخ‌های فارسی است که توسط عظاملک جوینی و رشیدالدین در دوره ایلخانی تهیه شده است. علاوه بر این، لازم است متن ابن بی‌بی را در شرایط تاریخی و سیاسی آن تا حد امکان زمینه‌سازی کرد. (Yıldız, 2006: 496) زمینه ایلخانی تولید تاریخ‌نگاری خصوصاً ابن بی‌بی، اثری که در آستانه سقوط برادران جوینی نوشته شده است، اغلب مورد توجه مورخان قرار گرفته است. با این حال، انتخاب و سازماندهی اطلاعات توسط نویسندگان به شدت تحت تأثیر شرایط تاریخی و زمینه‌های ایدئولوژیکی سلجوقی و ایلخانی قرار گرفت. (Ibdi, 497).

تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۷۳

برای احیای اقتدارِ رو به زوال سلطنت سلجوقی که در تاریخ ابن بی‌بی دیده می‌شود، نمایش سلطان علاءالدین کیقباد یکم به‌عنوان پدر پادشاهان اسلام برای حفظ نظم در جامعهٔ مسلمانان ضروری است. شاید بخشی از تلاش برادران جوینی برای استیفای اصول اسلامی در ادارهٔ قلمرو ایلخانیان بوده است. همان‌طور که چارلز ملویل گفته است، من استدلال می‌کنم که فعالیت‌های حمایتی جوینی‌ها بخشی از یک سیاست آگاهانه برای اسلامی کردن ایلخانان در آستانهٔ گرویدن نخبگان آن به اسلام بود؛ دوره‌ای که طی آن اعمال و گفتمان‌های فرهنگی و مذهبی، رقابت و درگیری شدیدی در جریان بود. از این رو، تألیف تاریخ ابن بی‌بی را باید بخشی از تلاش‌های برادران جوینی در ترویج دیدگاه‌ها و نهادهای اسلامی در دورهٔ ایلخانان دانست و تأکید مجدد ابن بی‌بی بر مشروعیت سیاسی سلجوقیان در داخل قلمرو ایلخانان بخشی از این تلاش برای حفظ و ارتقای نهادهای سیاسی اسلامی در داخل قلمرو بود. ابن بی‌بی با نشان دادن حامی و برادر حامی خود، به‌عنوان مدیران مسلمان ایده‌آل و بی‌عیب و نقصی که می‌کوشیدند حکومت را بر اساس نظم الهی حاکم بر آفرینش سامان دهند، سعی می‌کند از آن‌ها در برابر نكوهش‌های بدخواهان دفاع کند. (Melville, 2001: 77)

۴. مسامرهٔ الاخبار و مسامرهٔ الاخیار آقسرائی

محمود بن محمد کریم‌الدین آقسرائی، مورخ، منشی و دولتمرد عهد سلجوقیان روم در سده‌های هفتم و هشتم هجری است. با این حال، از نسب، تاریخ وفات و محل تولد وی در سرزمین سلجوقیان روم، آگاهی چندانی نداریم. عثمان توران مصحح کتاب *مسامرهٔ الاخبار و مسامرهٔ الاخیار*، بر پایهٔ مطالعهٔ متن آن پژوهش‌هایی کرده و به نکاتی دست یافته است. وی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته می‌گوید: «عنوان «آقسرائی» نشان می‌دهد که وی به خاندانی از «آق‌سرا» منسوب است». (آقسرائی، مقدمهٔ مصحح، ۱۹۴۳: ۳۳) در واقع آقسرائی، کاتبی در دیوانسالاری محلی بود و از این رو، اطلاعاتی در مورد زادگاهش، آق‌سرا، دارد؛ چراکه خود او نیز در آن شهر دارای سمت اداری بود. آقسرائی، که خود از جملهٔ کاتبان و کارگزاران دیوانسالار بود، به رویدادهای امپراتوری تأثیرگذار بر ناحیهٔ خویش توجهی تمام داشت. اثر او، هرچند فاقد تواریخ معین و مذکورات زمانی بسیار است و محور سخنش بر سلاطین سلجوقی روزگار اوست، اما نگاهی پیرامونی و گسترده دارد و حوادث دولت مغول ایلخانی را نیز شامل می‌شود. (Melville, 2009: 135) اثر کریم‌الدین آقسرائی نه تنها در زبان فارسی، بلکه در تاریخ‌نگاری پیشاعثمانی نیز اهمیتی ویژه دارد. وی به‌عنوان منشی شورا خدمت

می‌کرد. او کتاب خود را در سال ۱۳۲۳ میلادی (۷۲۳ ق.) به پایان رساند و به امیر تیمورتاش بن چوپان تقدیم نمود. این اثر از چهار بخش تشکیل شده است: بخش نخست به تقویم‌های رایج در جهان اسلام اختصاص دارد؛ بخش دوم تاریخ مختصر اسلام از حضرت محمد (ص) تا ورود مغولان به آناتولی را روایت می‌کند؛ بخش سوم به تاریخ سلجوقیان بزرگ تا مرگ غیاث‌الدین کیخسرو (۶۴۳-۶۳۴ ق.) / ۱۲۴۶-۱۲۳۷ م.) می‌پردازد؛ و بخش چهارم شامل شرح وقایع آناتولی در دوران ایلخانیان، از اواسط قرن سیزدهم میلادی (حدود ۶۵۰ ق.) تا سال ۱۳۲۳ میلادی (۷۲۳ ق.) است. (Özgüdenli, 2013: 267-268) آقسرائی اثر خویش را به زبان ادبی نگاشته و در آن، جایگاه وزارت را در تاریخ‌نگاری سلجوقیان روم بررسی کرده و بر اهمیت فزایندهٔ این منصب از روزگار عزالدین کیکائوس تأکید نموده است. (آقسرائی، ۱۹۴۳: ۸۹) در رابطه با اهداف و انگیزه‌هایی که آقسرائی اقدام به تاریخ‌نگاری کرده است، شاید بهترین گواه حرف‌های خود او باشد که می‌گوید: «... بر دعا احتضار نموده و در تواریخ قرون امم ماضیه تألیفی پرداخت، مجموعه ساخت تا در فرصت خلوت خوانندگان صاحب فضیلت مطالعه کنند و کیفیت آن حالات و مقالات بسمع اشراف اسمع الله البشایر رسانند که بنظر عنایت مرموق گردد و بسمع ارتضا مسموع افتد انشاءالله تعالی چه فایده تاریخ زمان آنست که ملو زمان و خسروان جهاندار را در وقت فراغت و هنگام ملالت باستماع اخبار و آثار و حکایات گذشتگان رغبت میبشد، چون رفیق و ندیم صاحب خبرت قضایا و وقایع جهانرا مستحضر شوند و تقدیر و تذکیر آن کند ... نفس شایع جهانداران انتباه یابد و متیقظ گردد و از موانع و وقایع احتراز کند...» (آقسرائی، ۱۹۴۳: ۴) با توجه به این جملات متوجه خواهیم شد که آقسرائی هدف از تاریخ‌نگاری را عبرت از گذشته و آن را علمی دانسته برای پادشاهان که اصول حکومت‌مداری و عدالت را بیاموزند که این موضوعات همان کارکردهای تاریخ‌نگاری ایرانی هستند.

۴. تأثیر تاریخ‌نگاری و میراث فرهنگی سلجوقیان آناتولی بر شکل‌گیری مشروعیت و هویت امپراتوری عثمانی

در آغاز قرن چهاردهم، فروپاشی دولت سلجوقیان آناتولی تحت سلطهٔ مغول، شرایطی را فراهم آورد که قبایل ترکمن مهاجر بتوانند در این سرزمین مستقر شوند و سلطنت‌های محلی خود را بنیان نهند. یکی از این قبایل، پس از فتح بورسا توسط

تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۷۵

اورخان بیگ، به سرعت سازمان‌دهی شد و حضور خود را تثبیت کرد. با وجود پایان حکومت سلجوقیان، میراث فرهنگی و ادبی آن‌ها، به‌ویژه زبان فارسی، همچنان در آناتولی جایگاه برجسته‌ای داشت و میان حاکمان و شاعران منطقه نفوذ خود را حفظ کرد. این میراث، مبنایی برای مشروعیت سیاسی و هویت فرهنگی عثمانی‌ها فراهم آورد و آن‌ها را قادر ساخت تا خود را ادامه‌دهنده سنت سلجوقیان معرفی کنند و جایگاه خود را در آناتولی تثبیت نمایند. (ریاحی، ۱۹۹۰: ۱۳۳؛ زلجیچ، ۱۳۹۸: ۱۶۴-۱۶۵)

استفاده از زبان و ادبیات فارسی در دوره عثمانی نه تنها در آثار ادبی و دیوانی، بلکه در تاریخ‌نگاری و هنرهای رسمی نیز نمود داشت. تاریخ‌ها، فتوحات و مراسم رسمی به سبک شاهنامه و با مینیاتورهای ایرانی تصویر می‌شدند و حضور مورخان و ادیبان ایرانی در دربار عثمانی، فرصت تعامل فرهنگی و انتقال دانش را فراهم آورد. (Gemici, 2015: 17)

این روند نشان‌دهنده اهمیت زبان فارسی در تثبیت هویت و مشروعیت حکومت عثمانی بود و تأثیر ماندگار آن در ادبیات و هنر به وضوح مشاهده می‌شود. عثمانی‌ها با پذیرش سنت‌های تاریخ‌نگاری سلجوقیان، ارتباط تاریخی خود با این سلسله را برجسته کردند و بر میراث مشترک ترکی و اسلامی تأکید نمودند. روایت‌های شجره‌نامه‌ای، نسب عثمانی را به سلسله سلجوقی بازمی‌گرداند و بر پیوند تاریخی تأکید داشت، که به تقویت مشروعیت سیاسی و اعتبار حکمرانی کمک می‌کرد. (İnalçık, 1968: 79; Kafadar, 1989: 130)

این پیوند تاریخی، پایه‌ای برای ادعای مشروعیت در میان شاهزادگان رقیب و رقابت با دیگر سلسله‌های منطقه ایجاد کرد. دستاوردهای فرهنگی سلجوقیان بر هنر، معماری و ادبیات عثمانی اثرگذار بود. سبک‌های معماری با طاق‌های نوک‌تیز و کاشی‌کاری‌های پیچیده، الهام‌گرفته از میراث سلجوقی بودند. همچنین، سنت‌های ادبی فارسی که در دوران سلجوقیان رواج یافته بود، در عثمانی‌ها نیز توسعه یافت و دیوان‌های فارسی توسط سلاطین نوشته شد. سلاطین عثمانی، از جمله مراد دوم، محمد فاتح و بایزید دوم، نه تنها در شعر و ادب مهارت داشتند بلکه در نگارش و ترجمه آثار فارسی و عربی به ترکی نیز فعال بودند؛ که نشان‌دهنده اهمیت زبان فارسی در تثبیت هویت فرهنگی و مشروعیت آن‌ها بود. (Necipoğlu, 2000: 69; Lewis, 1961: 102; Kut, 2000: 163; ayni eser, 168)

همچنین، شیوه‌های اداری سلجوقیان نیز الگویی برای سازمان‌دهی امپراتوری عثمانی فراهم کرد. استان‌ها و مقامات منصوب، نظام حقوقی و بوروکراتیک، اساس یک سیستم اداری کارآمد را تشکیل داد که با فتوحات سرزمینی عثمانی تطبیق یافته بود. این

سیستم، پایه‌ای برای ادارهٔ امپراتوری وسیع فراهم کرد و ساختاری منسجم برای مدیریت امور داخلی ایجاد نمود. (Inalcik, 1970: 110; Lowry, 2003: 98)

در این میان، بین آثاری که در قلمرو سلجوقیان روم (آناتولی) به فارسی نوشته شده‌اند و آثاری که همین زمان در ایران تدوین یافته‌اند، در نحوهٔ بازنمایی مشروعیت و قدرت تفاوت آشکاری دیده می‌شود؛ چراکه هر یک بازتاب‌دهندهٔ منافع سیاسی حامیان خود بوده‌اند. در اینجا قابل ذکر است که منابع فارسی غالباً بر شهر و مراکز قدرت شهری تأکید داشتند، در حالی که منابع فارسی تألیف‌شده در آناتولی با توجه به کوچ‌نشینی ترکمن‌ها و فقدان دربار دائمی، مشروعیت را از طریق شجره‌نامه، موفقیت نظامی و هویت قبیله‌ای تثبیت می‌کردند. موفقیت سلسله‌ها با اعمال نیک، تقوا و حمایت دینی مرتبط دانسته می‌شد و سقوط آنان به فساد اخلاقی و بی‌عدالتی نسبت داده می‌شد. (Crone, 2012: 490-491; Meisami, 2000: 89; HANAOKA, 2016: 251)

این نگرش اخلاقی - تاریخی، عنصر مهمی در شکل‌دهی به روایت تاریخی عثمانی بود و پایه‌ای برای مشروعیت مبتنی بر تقوا و شایستگی فراهم کرد. همچنین، حضور ادیبان و مورخان ایرانی در دربار عثمانی، از جمله نویسندگان و مترجمان فارسی، نقش حیاتی در انتقال دانش، هنر و سنت‌های ادبی داشت. این تعاملات فرهنگی نه تنها به توسعهٔ ادبیات فارسی در عثمانی کمک کرد، بلکه باعث شد عثمانی‌ها بتوانند ادبیات و تاریخ خود را با معیارهای کلاسیک ایرانی تطبیق دهند و مشروعیت خود را در چارچوب فرهنگ و تمدن منطقه تثبیت نمایند. به این ترتیب، تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی با ترکیب مشروعیت سلسله‌ای، میراث فرهنگی و اصول اخلاقی، زمینه‌ای فراهم کرد که عثمانی‌ها بتوانند نظام اداری، فرهنگ و مشروعیت سیاسی خود را شکل دهند. این میراث، نه تنها در تثبیت قدرت سیاسی، بلکه در ایجاد هویت فرهنگی و ادبی عثمانی‌ها نقش حیاتی ایفا نمود و تأثیری پایدار بر تاریخ و فرهنگ این امپراتوری برجای گذاشت.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی نتیجهٔ مستقیم تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این منطقه و به‌ویژه تأثیر مهاجرت گستردهٔ نخبگان و ادیبان ایرانی بود. با وجود تأسیس دولت سلجوقیان روم از اوایل قرن هفتم هجری،

تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۷۷

نبود سنت‌های محلی تاریخ‌نگاری و تأخیر در شکل‌گیری نهادهای فرهنگی، زمینه را برای ورود و تأثیرگذاری مؤلفان و منشیان ایرانی فراهم کرد. این گروه‌ها، با اتکا به تجربه دیوانی و ادبی خود در ایران، نه تنها قالب‌ها و الگوهای تاریخ‌نگاری فارسی را به آناتولی منتقل کردند، بلکه از طریق بازنمایی مشروعیت سیاسی سلاطین سلجوقی و تأکید بر تبار و اقتدار آنان، هویت سیاسی و فرهنگی دولت سلجوقیان روم را شکل دادند. بررسی منابع اصلی شامل «*لاوامر العلانیه*»، «*مسامره الاخبار*» و «*تاریخ آل سلجوق*» نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری این دوره بر محور سلسله سلجوقی و بازنمایی قدرت و مشروعیت آن متمرکز بوده و بیش از هر چیز تابع منطق دربار و نخبگان فرهنگی ایرانی بود. در واقع، مهاجرت نخبگان ایرانی سبب شد تاریخ‌نگاری آناتولی، گرچه با تأخیر، بر اساس زبان فارسی، ساختار دیوانی ایرانی و سنت‌های مشروعیت‌بخشی درباری شکل گیرد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی نه صرفاً یک محصول محلی، بلکه بخشی از میراث گسترده‌تر فرهنگ مکتوب ایرانی بود که از طریق شبکه‌های فراملی علمی و فرهنگی انتقال یافت و پایه‌های هویتی، سیاسی و ادبی دولت سلجوقیان روم را بنا نهاد. این پژوهش تأکید می‌کند که درک تحولات سیاسی و فرهنگی آناتولی در قرن هفتم هجری (۱۲-۱۳ میلادی) بدون توجه به نقش مهاجران و ادیبان ایرانی ناقص خواهد بود و بررسی منابع تاریخ‌نگارانه فارسی، کلید فهم شکل‌گیری سنت‌های تاریخی و مشروعیت‌سازی سیاسی در این دوره به‌شمار می‌آید.

کتابنامه

آق‌سرای، محمود بن محمد، (۱۹۴۳)، *مسامره الاخبار و مسایره الاخبار*، به سعی و تصحیح و حواشی عثمان توران، آنکارا: چاپخانه انجمن تاریخ ترک.
اقبال‌آشتیانی، عباس، (۱۳۸۹)، *تاریخ مغول: از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، تهران: امیرکبیر.

- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری، (۱۳۷۲)،
تاریخ کامل، ترجمه سید حسن روحانی، تهران: اساطیر.
- ابن بی‌بی، الحسین بن محمد بن علی الجعفری الرغدی، (۱۹۵۷)، *الامور العلائیه فی
الامور العلائیه*، به تصحیح و اهتمام نجاتی لوغال و عدنان صادق ارزی، آنکارا:
چاپخانه انجمن تاریخ ترک، ج ۱.
- اخبار سلاجقه روم (با متن کامل مختصر سلجوقنامه ابن بی‌بی و بانضمام تعلیقات و
اضافات)*، (۱۳۵۰)، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: کتابفروشی تهران.
- تاریخ آل سلجوق در آناتولی، (۱۳۷۷)، به تصحیح نادره جلالی، تهران: میراث مکتوب.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر، (۱۳۴۵)، ترجمه تاریخ یمینی (به انضمام خاتمه
یمینی یا حوادث ایام)، به اهتمام جعفر شعار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دیانت، علی اکبر، (۱۳۶۹)، «ابن بی‌بی»: *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم
موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳.
- رازی، نجم الدین، (۱۳۸۲)، *مرصاد العباد*، به اهتمام محمدامین ریاحی، تهران: انتشارات
علمی و فرهنگی.
- راوندی، محمد، (۱۳۸۶)، *راحه الصدور و آیه السرور*، تصحیح محمد اقبال، تهران:
اساطیر.
- ریاحی، محمد امین، (۱۳۹۰)، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: اطلاعات.
- زلجیچ، احمد و محمد سوری، «شکرالله رومی و کتاب او بهجه التواریخ»، *کهن نامه ادب
پارسی*، سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۸)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۰۱-۲۲۲.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۵۲)، *تاریخ ادبیات در ایران (از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم
هجری)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳.

تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی بر پیدایش تاریخ‌نگاری ۷۹

نیشابوری، ظهیرالدین، (۱۳۳۲)، *سلجوقنامه*، به تصحیح اسماعیل افشار، تهران: کلاله‌خاور.

- Anooshahr, Ali. (2009). *The Ghazi Sultans and the Frontiers of Islam: A Comparative Study of the Late Medieval and Early Modern Periods*. London and New York: Routledge.
- Crone, Patricia. (2012). *The Nativist Prophets of Early Islamic Iran: Rural Revolt and Local Zoroastrianism*. New York: Cambridge University Press.
- Gemici, N. (2015). "Son Dönem Osmanlı Aydınlarında Farsçanın Tesiri ve İbnülemin Mahmud Kemal (ö. 1957) Örneği." *Divan Edebiyatı Araştırmaları Dergisi* 25: 167–194.
- Hanaoka, Mimi. (2016). *Authority and Identity in Medieval Islamic Historiography*. New York: Cambridge University Press.
- Hillenbrand, Carole. (2005). "Rāvandī, the Seljuk Court at Konya and the Persianization of Anatolian Cities." In *Les Seldjoukides d'Anatolie*, edited by Gary Leiser, 157–169. Paris: Éditions Hérodotos.
- Hillenbrand, Carole. (2011). "Aspects of the Court of the Great Seljuqs." In *The Seljuqs: Politics, Society, and Culture*, edited by Christian Lange and Songül Mecit, 22–38. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- İnalcık, Halil. (1968). "The Question of Ottoman Decline." *Revue de l'Occident musulman et de la Méditerranée* 4: 77–89.
- İnalcık, Halil. (1970). "Ottoman Methods of Conquest." *Studia Islamica* 32: 109–128.
- Kafadar, Cemal. (1998). "Self and Others: The Diary of a Dervish in Seventeenth-Century Istanbul and First-Person Narratives in Ottoman Literature." *Studia Islamica* 69: 121–150.
- Köprülü, Mehmed Fuad. (1992). *The Seljuks of Anatolia: Their History and Culture According to Local Muslim Sources*. Translated and edited by Gary Leiser. Salt Lake City, UT: University of Utah Press.
- Korobeinikov, Dimitri. (2013). "'The King of the East and the West': The Seljuk Dynastic Concept and Titles in the Muslim and Christian Sources." In *The Seljuks of Anatolia: Court and Society*

- in the Medieval Middle East*, edited by A. C. S. Peacock and Sara Nur Yıldız. London and New York: I. B. Tauris.
- Kut, G. (2014). "Payitaht İstanbul'un Sultan Şairleri (Seyf ve'l-Kalem Sahipleri)." *İlmî Araştırmalar: Dil, Edebiyat, Tarih İncelemeleri* 9: 161–178.
- Lewis, Bernard. (1961). *The Emergence of Modern Turkey*. Oxford: Oxford University Press.
- Lowry, Heath W. (2003). *The Nature of the Early Ottoman State*. Albany, NY: State University of New York Press.
- Meisami, Julie Scott. (2000). "Why Write History in Persian? Historical Writing in the Samanid Period." In *Studies in Honor of Clifford Edmund Bosworth, II: The Sultan's Turret: Studies in Persian and Turkish Culture*, edited by Carole Hillenbrand, 348–374. Leiden: Brill.
- Melikoff, Irene. (1995). "Oghuz-nāma." *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed., 8: 163–164.
- Melville, Charles. (2001). "From Adam to Abaqa: Qāḍī Bayḍāwī's Rearrangement of History." *Studia Iranica* 30 (1): 77.
- Melville, Charles. (2009). "Anatolia under the Mongols." In *The Cambridge History of Turkey*, vol. 1, *Byzantium to Turkey, 1071–1453*, edited by Kate Fleet, 51–101. Cambridge: Cambridge University Press.
- Miller, Patricia Cox. (1998). *Dreams in Late Antiquity: Studies in the Imagination of a Culture*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Necipoğlu, Gülru. (2005). *The Age of Sinan: Architectural Culture in the Ottoman Empire*. London: Reaktion Books.
- Özgüdenli, Osman G. (2013). "XII–XIV. Yüzyıllarda Anadolu'da Tarih Yazıcılığı." In *Prof. Dr. Erdoğan Merçil'e Armağan*, edited by M. Kesik, C. Piyadeoğlu, A. Usta, and E. Uyumaz. İstanbul: Bilge Kültür Yayınları.
- Peacock, A. C. S., and Sara Nur Yıldız, eds. (2013). *The Seljuks of Anatolia: Court and Society in the Medieval Middle East*. London and New York: I. B. Tauris.
- Storey, Charles Ambrose. (1927). *Persian Literature: A Bio-Bibliographical Survey*. 5 vols. in 12. London: Luzac & Co.

Vryonis, Speros, Jr. (1971). *The Decline of Medieval Hellenism in Asia Minor and the Process of Islamization from the Eleventh through the Fifteenth Century*. Berkeley, CA: University of California Press.

Bibliography

- Aḥbār-i Salāḡiqa-yi Rūm (bā Matn-i Kāmil-i Muḥtaṣar-i Salḡūqnāmah-yi Ibn Bībī va ba-inzimām-i Ta'liqāt va Izāfāt)* (1350/1971-1972AD), edited by MuḥammadĠavād Maškūr, Tehran: Kitābfurūṣī-yi Tehran.[in persian]
- ānat, 'Alī-Akbar (1369/1990-1991AD), "Ibn Bībī", *Dā'irat al-Ma'ārif-i Buzurg-i Islāmī*, under the supervision of Kāzīm Mūsavī Buḡnūrdī, Tehran: Intiṣārāt-i Dā'irat al-Ma'ārif-i Buzurg-i Islāmī, vol. 3.[in persian]
- Anooshahr, Ali. (2009). *The Ghazi Sultans and the Frontiers of Islam: A Comparative Study of the Late Medieval and Early Modern Periods*. London and New York: Routledge.
- Āqṣarāyī, Maḥmūd ibn Muḥammad (1943AD), *Musāmarat al-Aḥbār va Musāyarat al-Aḥyār*, edited and annotated by 'Uṭmān Turān, Ankara: Türk Tarih Kurumu.[in persian]
- Crone, Patricia. (2012). *The Nativist Prophets of Early Islamic Iran: Rural Revolt and Local Zoroastrianism*. New York: Cambridge University Press.
- Gemici, N. (2015). "Son Dönem Osmanlı Aydınlarında Farsçanın Tesiri ve İbnülemin Mahmud Kemal (ö. 1957) Örneği." *Divan Edebiyatı Araştırmaları Dergisi* 25: 167–194.
- Ġorfazqānī, Abū al-Šaraf Nāṣeḡ ibn Zafar (1345/1966-1967AD), *Tarḡuma-yi Tārīḡ-i Yamīnī (ba-inzimām-i Ḥātima-yi Yamīnī yā Ḥavādiṣ-i Ayyām)*, edited by Ġa'far Ši'ār, Tehran: Bungāh-i Tarḡuma va Naṣr-i Kitāb.[in persian]
- Hanaoka, Mimi. (2016). *Authority and Identity in Medieval Islamic Historiography*. New York: Cambridge University Press.
- Hillenbrand, Carole. (2005). "Rāvandī, the Seljuk Court at Konya and the Persianization of Anatolian Cities." In *Les Seldjoukides*

- d'Anatolie*, edited by Gary Leiser, 157–169. Paris: Éditions Hérodotos.
- Hillenbrand, Carole. (2011). “Aspects of the Court of the Great Seljuqs.” In *The Seljuqs: Politics, Society, and Culture*, edited by Christian Lange and Songül Mecit, 22–38. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Ibn Aṭīr, Abū al-Ḥasan ‘Alī ibn Muḥammad ibn Muḥammad ibn ‘Abd al-Karīm Šaybānī Ġazarī (1372/1993-1994AD), *Tārīḥ-i Kāmil*, translated by Sayyid Ḥasan Rūḥānī, Tehran: Asāṭīr. [in persian]
- Ibn Bībī, al-Ḥusayn ibn Muḥammad ibn ‘Alī al-Ġa‘farī al-Ruḡadī (1957AD), *al-Awāmir al-‘Alā’iya fī al-Umūr al-‘Alā’iya*, edited by Najātī Luḡāl and ‘Adnān Šādiq Arzī, Ankara: Türk Tarih Kurumu, vol. 1. [in persian]
- İnalcık, Halil. (1968). “The Question of Ottoman Decline.” *Revue de l’Occident musulman et de la Méditerranée* 4: 77–89.
- İnalcık, Halil. (1970). “Ottoman Methods of Conquest.” *Studia Islamica* 32: 109–128.
- Iqbāl-i Āštiyānī, ‘Abbās (1389/2010-2011AD), *Tārīḥ-i Muḡul: az Ḥamla-yi Čangīz tā Taškīl-i Duvlat-i Tīmūrī*, Tehran: Amīr Kabīr. [in persian]
- Kafadar, Cemal. (1998). “Self and Others: The Diary of a Dervish in Seventeenth-Century Istanbul and First-Person Narratives in Ottoman Literature.” *Studia Islamica* 69: 121–150.
- Köprülü, Mehmed Fuad. (1992). *The Seljuks of Anatolia: Their History and Culture According to Local Muslim Sources*. Translated and edited by Gary Leiser. Salt Lake City, UT: University of Utah Press.
- Korobeinikov, Dimitri. (2013). “‘The King of the East and the West’: The Seljuk Dynastic Concept and Titles in the Muslim and Christian Sources.” In *The Seljuks of Anatolia: Court and Society in the Medieval Middle East*, edited by A. C. S. Peacock and Sara Nur Yıldız. London and New York: I. B. Tauris.
- Kut, G. (2014). “Payitaht İstanbul’un Sultan Şairleri (Seyf ve’l-Kalem Sahipleri).” *İlmî Araştırmalar: Dil, Edebiyat, Tarih İncelemeleri* 9: 161–178.

- Lewis, Bernard. (1961). *The Emergence of Modern Turkey*. Oxford: Oxford University Press.
- Lowry, Heath W. (2003). *The Nature of the Early Ottoman State*. Albany, NY: State University of New York Press.
- Meisami, Julie Scott. (2000). "Why Write History in Persian? Historical Writing in the Samanid Period." In *Studies in Honor of Clifford Edmund Bosworth, II: The Sultan's Turret: Studies in Persian and Turkish Culture*, edited by Carole Hillenbrand, 348–374. Leiden: Brill.
- Melikoff, Irene. (1995). "Oghuz-nāma." *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed., 8: 163–164.
- Melville, Charles. (2001). "From Adam to Abaqa: Qāḍī Bayḍāwī's Rearrangement of History." *Studia Iranica* 30 (1): 77.
- Melville, Charles. (2009). "Anatolia under the Mongols." In *The Cambridge History of Turkey*, vol. 1, *Byzantium to Turkey, 1071–1453*, edited by Kate Fleet, 51–101. Cambridge: Cambridge University Press.
- Miller, Patricia Cox. (1998). *Dreams in Late Antiquity: Studies in the Imagination of a Culture*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Necipoğlu, Gülru. (2005). *The Age of Sinan: Architectural Culture in the Ottoman Empire*. London: Reaktion Books.
- Nīšābūrī, Ṣāḥib al-Dīn (1332/1953-1954AD), *Salḡūqnāmah*, edited by Ismā'īl Afšār, Tehran: Kalāla-yi Ḥāvar. [in persian]
- Özgüdenli, Osman G. (2013). "XII–XIV. Yüzyıllarda Anadolu'da Tarih Yazıcılığı." In *Prof. Dr. Erdoğan Merçil'e Armağan*, edited by M. Kesik, C. Piyadeoğlu, A. Usta, and E. Uyumaz. İstanbul: Bilge Kültür Yayınları.
- Peacock, A. C. S., and Sara Nur Yıldız, eds. (2013). *The Seljuks of Anatolia: Court and Society in the Medieval Middle East*. London and New York: I. B. Tauris.
- Rāvandī, Muḥammad (1386/2007-2008AD), *Rāḥat al-Şudūr va Āyat al-Surūr*, edited by Muḥammad Iqbāl, Tehran: Asāfīr. [in persian]
- Rāzī, Nağm al-Dīn (1382/2003-2004AD), *Mirşād al-'Ibād*, edited by Muḥammad Amīn Riyāḥī, Tehran: Intişārāt-i 'Ilmī va Farhangī. [in persian]

- Riyāhī, Muḥammad Amīn (1390/2011-2012AD), *Zabān va Adab-i Fārsī dar Qalamrav-i 'Osmānī*, Tehran: Ittīlā'āt. [in persian]
- Şafā, Zabiḥullāh (1352/1973-1974AD), *Tārīḥ-i Adabiyāt dar Īrān (az Avāyil-i Qarn-i Haftum tā Pāyān-i Qarn-i Haštum-i Hiğrī)*, Tehran: Intişārāt-i Dānişgāh-i Tehran, vol. 3. [in persian]
- Storey, Charles Ambrose. (1927). *Persian Literature: A Bio-Bibliographical Survey*. 5 vols. in 12. London: Luzac & Co.
- Tārīḥ-i Āl-i Salğūq dar Ānāṭūlī* (1377/1998-1999AD), edited by Nādirah Ġalālī, Tehran: Mīrās-i Maktūb. [in persian]
- Vryonis, Speros, Jr. (1971). *The Decline of Medieval Hellenism in Asia Minor and the Process of Islamization from the Eleventh through the Fifteenth Century*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Zalğīğ, Aḥmad and Muḥammad Sūrī, “Şukrullāh-i Rūmī va Kitāb-i Ū Bahğat al-Tavārīḥ”, *Kuhannāma-yi Adab-i Pārsī*, year 10, no. 1 (serial no. 28), spring and summer 1398/2019AD, pp. 201–222. [in persian]

پی‌نوشت

- ¹. Cahen, Claude. (1968). *Pre-Ottoman Turkey: A General Survey of the Material and Spiritual Culture and History, c. 1071–1330*. London: Sidgwick & Jackson.
- ². Turan, Osman. (1965). *Selçuklular ve İslamiyet*. İstanbul: Boğaziçi Yayınları.
- ³. Peacock, A. C. S., and Sara Nur Yıldız, eds. (2013). *The Seljuks of Anatolia: Court and Society in the Medieval Middle East*. London: I.B. Tauris.
- ⁴. Yıldız, Sara Nur. (2013). “Manuscript, Text, and Interpretation: The Anatolian Seljuks and Their Historiography.” In *The Seljuks of Anatolia: Court and Society in the Medieval Middle East*, edited by A. C. S. Peacock and Sara Nur Yıldız, 73–110. London and New York: I. B. Tauris.
- ⁵. Binbaş, İlker Evrim. (2014). “Persianate Political Thought and Networks in the Late Medieval Anatolia.” *Journal of the Royal Asiatic Society*.
- ⁶. Ölmez, Mehmet. (2013). “Language Contact in Anatolia after the Seljuks.” In *The Seljuks of Anatolia: Court and Society in the Medieval Middle East*, edited by A. C. S. Peacock and Sara Nur Yıldız, 195–199. London: I. B. Tauris.
- ⁷. Shukurov, Rustam. (2007). “Perso-Islamic Cultural Influence in Medieval Anatolia.” *Byzantine and Modern Greek Studies*.

⁸ مهر یا انگشتی که برای معتبرسازی اسناد به کار می رفت.